

Functions of Farabi's Fantasy Theory in Paintings of Hannibal Alkhas and Habib Allah Sadeghi

Behzad Mohebbi, Assistant Professor, Department of Art, Faculty of Literature and Humanities, University of Mohagheh Ardabili, Ardabil, Iran (Corresponding Author) bmohebbi@uma.ac.ir

Fereydoun Hasankhani Qavam, Instructor, Department of Art, Faculty of Literature and Humanities, University of Mohagheh Ardabili, Ardabil, Iran. f.ghavam77@gmail.com

Abstract

Imagination has been extensively researched in the field of philosophy and art. Most of philosophers and artists consider Imagination as an integral part of creating an art work. Farabi, called The Second Teacher, who has been one of the greatest Iranian-Islamic thinkers, has proposed theories about Imagination. He proposed three areas with one sub-group for Imagination. In this study, we investigated the functions of Farabi's Imagination Theory in paintings of Hannibal Alkhas and Habib Allah Sadeghi as the contemporary Iranian artists who has created distinguishing art works in different periods. The works of Hannibal Alkhas have used Imagination by having characteristics such as modernism, symbols of Iranian art and elements of the Assyrian tribe. The works of Habib Allah Sadeghi is distinguished by signs of Iranian art, tendency towards revolution and war art, and symbolism. The current study is a descriptive-analytical. The findings revealed that considering the approach of art works of Hannibal Alkhas and Habib Allah Sadeghi, their work period are closely related to the second and third stages of Farabi's theory. As there is no comprehensive realism in art works of Hannibal Alkhas, therefore we cannot put his works in the first stage of Farabi's Fantasy Theory. Considering that most of art works of Hannibal Alkhas enjoy analysis of elements and symbolizing and depicting elements in their secondary concept, so we can put them in the second stage and first section of the third stage. Regarding the art works of Habib Allah Sadeghi, some of them have been created based on a tendency towards realism; so, they can be in the first stage. However, most of his art works should be put in the second stage and the first part of the third stage.

Keywords

Imagination, Farabi, painting, Hannibal Alkhas, Habib Allah Sadeghi.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

وجوه کارکرد نظریه خیال ابونصر فارابی در آثار نقاشی هانیبال الخاص و حبیب‌الله صادقی

بهزاد محبی^۱، فریدون حسنجانی قوام^۲

چکیده

خیال از موارد مورد مطالعه و نظریه پردازی در حوزه فلسفه و هنر بوده است. بسیاری خیال را بخش اساسی پروسه خلق اثر هنری دانسته و مبنای سنجش آثار را مبتنی بر حضور هنرمند در ساحت خیال برشمرده‌اند. ابونصر فارابی ملقب به معلم ثانی از نامدارترین اندیشمندان ایرانی - اسلامی در حوزه خیال، نظریه‌هایی را مکتوب کرده و سه ساحت کلی با یک زیرمجموعه برای خیال قائل شده است. هرچند در آثار وی، وجه تمایزی بین واژه «خیال» و «تخیل» مشاهده نمی‌شود؛ ولی در بخش سوم که خود به دو بخش تقسیم شده است، این تفاوت دیده می‌شود. نگارندگان این مقاله به امکان سنجی کارکرد خیال فارابی در هنر معاصر پرداخته و برای تبیین مسئله، آثار نقاشی هانیبال الخاص و حبیب‌الله صادقی را به عنوان هنرمندان معاصر ایرانی که آثار متفاوتی و در دوره‌های مختلف کاری خلق کرده‌اند، مورد بررسی قرار داده‌اند. مقاله حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام یافته، با جمع‌آوری داده‌ها به صورت اسنادی، منابع تصویری و با استفاده از رویکرد استنتاج به تحلیل یافته‌ها پرداخته، نشان از آن دارد که با توجه به رویکرد آثار الخاص و صادقی و نوع تصاویر و مجموعه‌های خلق شده، دوره‌های مختلف کاری هرکدام به مراحل دوم و سوم نظریه فارابی نزدیک هستند و امکان سنجش خیال آثار هنری معاصر براساس نظریه فارابی وجود دارد.

واژگان کلیدی

خیال، فارابی، نقاشی، هانیبال الخاص، حبیب‌الله صادقی.

مقدمه

ابونصر محمد بن محمد فارابی (۳۳۹-۲۵۹ ق) فیلسوف و عالم برجسته و ملقب به معلم ثانی، نقش بزرگی در گستره حکمی و علمی جهان اسلام و ایران زمین دارد. نظریات وی در مورد تخیل و خلاقیت هنری و دسته‌بندی آن در سه بخش مجزا، زمینه‌ساز شکل‌گیری نظریه‌های بعدی در حوزه عالم خیال گشت. نوع تقسیم‌بندی فارابی از خیال، این امکان را می‌سازد تا آن را در حیطه آثار هنری مورد توجه قرار داد. بدین ترتیب، آثار دو نقاش ایرانی انتخاب گردید تا ابعاد نظریه فارابی در این آثار بررسی و تحلیل شوند؛ همچنین مبنای انتخاب این دو نقاش، شیوه‌های متفاوت کاری آن‌ها بوده است. هانیبال الخاص به عنوان نقاش معاصر ایرانی دارای خصوصیتی است از جمله: آشنایی با ادبیات، ترجمه، شاگردپروری و نیز توجه به سنت‌های اصیل نقاشی ایرانی و کاربست و تعمیق بخشی به آن در آثار نقاشی خود هستند. عدم گرایش او به آثار خلق‌شده تحت عنوان مدرنیته (بدون بازشناسی عمیق مفاهیم و فاصله‌گرفتن از گرایش‌های آن دوران تحت عناوین ایرانیزه کردن و سقاخانه) نقش او را در هنر معاصر ایران بارزتر می‌نماید. حبیب‌الله صادقی به عنوان نقاش معاصر و فعال در عرصه تجسمی کشور نیز که به طور کلی در رده نقاشان هنر انقلاب شناخته می‌شود، دارای دوره‌های کاری متفاوتی است. سبک و دوره‌های کاری مبتنی بر موضوع‌های اغلب «مذهبی» از ویژگی آثار ایشان است. فرضیه تحقیق مبتنی بر این است که دسته‌بندی خیال توسط فارابی، محدود به زمان، مکان و سبک خاصی نیست و امکان بازیابی آن در هنر معاصر نیز وجود دارد. از آن رو در این دسته‌بندی‌ها حدود خیال در هر کدام مشخص گشته، امکان سنجش برای نزدیک شدن به دنیای خلاق هنرمندان به دست می‌دهد. این مقاله با رویکرد تحلیلی و با مبنا قراردادن کارکرد خیال از دیدگاه فارابی در آثار نقاشی هانیبال الخاص و حبیب‌الله صادقی، در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که آیا براساس دیدگاه خیال در نزد فارابی، امکان سنجش حد خیال در آثار نقاشی وجود دارد؟ و دوره‌های مختلف آثار هانیبال الخاص و حبیب‌الله صادقی در کدام جایگاه خیال چهارگانه فارابی قرار می‌گیرند؟ در جهت رسیدن به موارد مذکور تلاش خواهد شد، پس از ارائه و تشریح عالم خیال از دیدگاه فارابی و دسته‌بندی آثار هنرمندان به این مسئله که کدام آثار در کدامین بخش از نظریه خیال فارابی امکان قرارگیری دارند، پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

مطالعات صورت‌گرفته در این حوزه به صورت مجزا بوده و تاکنون پژوهش مستقلی در باب کارکرد نظریه خیال فارابی در آثار نقاشی هنرمندان انتخابی صورت نگرفته است. از پژوهش‌های انجام‌گرفته مربوط به خیال در نزد فارابی می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت.

کربن (۱۳۸۵) در کتاب خود با عنوان «تاریخ فلسفه اسلامی» به رویکرد فارابی به عالم خیال اشاره داشته؛ اما هیچ اشاره‌ای به کارکردها و نمونه‌های آن ندارد. بلخاری (۱۳۸۶) در مقاله نگاشته شده با عنوان «ابداعات فارابی در مفهوم و کارکرد خیال» ضمن تشریح مفهوم خیال در نزد سایر فلاسفه به وجوه متمایز نظریه فارابی از جمله طرح اثبات نبوت که از مختصات اصلی نظریه فارابی است، اشاره می‌کند.

قادری (۱۳۸۹) در مقاله «اهمیت الخاص شناسی» به نقش تأثیرگذار الخاص در هنر معاصر ایران اشاره می‌کند. در مورد حبیب‌الله صادقی اثر مستقلی وجود ندارد و اکثر مطالب مربوط به مصاحبه‌های انجام گرفته است.

مفتونی (۱۳۸۹) در کتاب خود با عنوان «فارابی، خیال و خلاقیت هنری» به طرح جزئیات خیال از دیدگاه فارابی پرداخته و ضمن دسته‌بندی موضوع برای هر کدام از موارد سه‌گانه خیال نمونه‌هایی را آورده است.

مفتونی (۱۳۸۹) در مقاله «هنر به مثابه راهبرد فرهنگی در اندیشه فارابی» به مفاهیم خیال و خلاقیت هنری در نزد فارابی اشاره می‌کند.

در این پژوهش نگارندگان تلاش دارند به کارکردهای عینی دسته‌بندی صورت گرفته توسط فارابی پرداخته و امکان سنجش حد خیال در آثار نقاشی معاصر را براساس این نظریه مورد توجه قرار دهند.

روش پژوهش

این مقاله باهدف بررسی وجوه خیال در نظریه فارابی و تحلیل کارکرد آن در هنر معاصر و با مبنا قراردادن آثار هانیبال الخاص و حبیب‌الله صادقی انجام گرفته است؛ لذا باتوجه به اهداف مشخص شده و ویژگی موضوع از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تصویری استفاده شده و تحلیل موضوع به روش استنتاج انجام یافته است. با تحلیل آثار نقاشی الخاص و صادقی به دسته‌بندی آثار و نیز وجوه مختلف هر کدام از آثار پرداخته و ضمن تشریح نظریه خیال از دیدگاه فارابی، حوزه‌های احتمالی خیال الخاص و صادقی برطبق این نظریه استخراج و توصیف گشته است.

خیال

در لغت‌نامه‌ها خیال به صورت معناهای چون: خیال بستن (تاج المصادر بیهقی) (زوزنی). صورت بستن چیزی مر کسی را (منتهی الارب) (ناظم الاطباء). در خیال آوردن (غیاث اللغات) (آنندراج). کسی را خیال نمودن (ترجمان جرجانی ترتیب عادل بن علی) (از اقرب الموارد): یکی را تخیل گویند، نخستین درجه که چیزها را بتواند دید و شنید (تاریخ بیهقی) آمده است.

علامه حسن زاده آملی در نوشتار «انسان در عرف عرفان» و نیز «دروس معرفت نفس» خیال را این‌گونه بیان می‌کند: «قوه خیال یکی از مظاهر خداوند است یا دقیق‌تر، یکی از مظاهر اسماء الهی است؛ زیرا یکی از اسماء الهی اسم شریف «مصور» است و نفس نیز از طریق خیال، صورتگری می‌کند. از این رو، می‌توان گفت قوه خیال مظهر اسم شریف «المصور» است و از آنجاکه اسماء الهی حق‌اند، مظاهر اسماء الهی نیز حق‌اند و چون اسماء، توقیفی‌اند؛ یعنی نمی‌شود اسماء لفظی و اسماء عینی را نمی‌توان از جای خویش برداشت؛ چرا که برداشتن آن‌ها موجب خلل در نظام آفرینش است، قوه خیال نیز در جای خویش نیکو و احسن است و در نظام احسن باید قوه خیال باشد و نمی‌شود این قوه را برداشت» (حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۴). وی همچنین اشاره می‌کند: «کار قوه خیال تصویر دادن معانی و حقایق مدرکه است مثلاً نفس مطالبی را از عالم مجردات می‌گیرد و آن حقیقت را به روح می‌دهد و روح آن را به قلب داده و قلب آن حقایق را به خیال می‌سپارد و خیال نیز آن حقایق را مبدل به صورتی می‌کند. مثلاً دشمنی را به شکل مار و یا به شکل سگ صورت می‌دهد و علم و رزق را به شکل آب یا شیر صورت می‌دهد» (همان: ۱۸۴-۱۸۲). در نزد برخی از نظریه‌پردازان سیر در عالم خیال، شروطی دارد و لازمه درک آن پایبندی به آن معیارها است. «همه به جهان غیب اتصال دارند وقتی دریچه این مخزن باز شود، اسرار از غیب به عقل و سپس به روح، از روح به نفس، از نفس ناطقه به جسم و از جسم به اندام تنزل می‌یابد و به این ترتیب اثر هنری اعم یک قطعه شعر، یک قطعه خوشنویسی، مجسمه یا... ظاهر می‌گردد. این سلسله مراتب، یک چشم و ذهن آگاه را با مشاهده یک اثر هنری دوباره به جهان غیب برمی‌گرداند. در حقیقت آن غیب در اثر هنری شکل پیدا کرده تا باری دیگر مخاطب را در مخاطبه با خود به همان مخزن غیب ببرد» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۶: ۸۸).

ابونصر محمد بن محمد فارابی (۲۵۹-۳۳۹ ه.ق)

فارابی در علم، فلسفه، منطق، جامعه‌شناسی، ریاضیات و موسیقی تخصص داشت. وی به مکتب نوافلاطونی تعلق داشت که سعی داشتند تفکرات افلاطون و ارسطو را با الهیات توحیدی هماهنگ کنند و در فلسفه اسلامی نیز از جمله اندیشمندان مشایی محسوب می‌شود. او را معلم ثانی خوانده‌اند. وی آثاری نظیر «الجمع بین الرایین»، «اغراض مابعدالطبیعه ارسطو»، «فصول الحکم» و «احصاء العلوم» را نگاشته است. در قرون وسطی آثاری چند از او به زبان لاتین برگردانده شده‌اند و او به خوبی در غرب نیز شهرت یافته است. فارابی معتقد است که حقیقت مذهب، استعاره، هنری، ادبی و تخیلی است. برای او انسان ارزش منحصر به فردی دارد و ارزش او عموماً از حرکت به سمت هنر و زیباشناسی

به دست می‌آید. فراتر از مطالب ارسطو و افلاطون، ایده‌های فارابی ترکیبی از دین، فلسفه، هنر، علم و دلیل و وجود هستند. او را می‌توان مبدع معرفت‌شناسی انتقادی دانست که اثر مشهودی را بر کل تاریخ فلسفه بعد از خود برجای گذاشت و این اثر در سنت اسلامی و فلسفه غربی نمود پیدا کرد (Amin Nadir, 2015): (226). ایجاد نسبت میان متخیله و نبوت را یکی دیگر از ابداعات فارابی می‌توان نامید (بلخاری، ۱۳۸۶: ۸۵).

هنر در نزد فارابی

فارابی جایگاه منحصربه‌فردی برای هنر و هنرمندان در مدینه فاضله خود طراحی کرده و با اتصال هنر به وحی، هنرمندان را در جایگاه دوم و هم‌ردیف با خطیبان و مبلغان دینی و پس از انبیای الهی و جانشینانشان قرار داده است (مفتونی، ۱۳۹۷: ۱۰۸-۱۰۷). برای هنر دو قاعده در نظر گرفته است: کم فایده و مفید؛ منظور از کم فایده، هنری دانسته که هدفش صرفاً ایجاد لذت است و مفید را هنری نامیده که علاوه بر لذت، تخیلات و احساسات و انفعالاتی هم در نفس ایجاد کند و از این طریق، امور دیگری را محاکات کند. فارابی بر محورهای ذوق، عنصر عقلانی، تخیل، انفعالات نفسانی و لذت در تعریف هنر تاکید کرده است (مفتونی، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۱۹). از دیدگاه فارابی، پیدایی وجود برتر هر موجودی و حصول واپسین کمالش زیبایی است (هاشم نژاد، ۱۳۸۵: ۳۲۰).

نظام طولی فیض از دیدگاه فارابی

موجود اول، موجود دوم را صادر می‌کند که جوهری مجرد است و هم ذات خود را تعقل می‌کند و هم ذات موجود اول را. با تعقل ذات اول، موجود سوم و از تعقل ذات خود، آسمان اول از او صادر می‌شود. به این ترتیب از عقل چهارم، زحل؛ عقل پنجم، مشتری؛ عقل ششم، مریخ؛ عقل هفتم، خورشید؛ عقل هشتم، زهره؛ عقل نهم، عطارد؛ عقل دهم، قمر آفریده می‌شوند. از عقل دهم عقل دیگری به وجود نمی‌آید؛ بلکه معلول آن محتاج به ماده و موضوع است. عقل دهم (عقل فعال یا موجود یازدهم) مدبر عالم مادون فلک قمر است و با وجود کره قمر، وجود اجسام آسمانی ختم می‌شود (خادمی، ۱۳۸۶: ۸۳-۸۲).

شکل‌گیری خیال از دیدگاه فارابی

از دیدگاه فارابی این دسته از عوامل در شکل‌گیری خیال دخیل هستند: عقل فعال یا عقل دهم، افلاک و کواکب، موجودات سماوی، قوه ناطقه، محسوسات، قوه متخیله. عقل فعال از نظر فارابی می‌تواند منشأ خیال باشد و صور خیالی را بر انسان عرضه کند. این عمل برای پیامبران و نفوس قدسی می‌تواند در خواب و بیداری اتفاق بیفتد؛ تا این حد که هیچ معقولی برای آنان مجهول و مخفی نماند؛ همان‌گونه که برای پیامبران الهی می‌افتد. از نظر فارابی نفوس فلکی می‌توانستند

در قوه خیال انسان‌ها تأثیر بگذارند. این نظریه که افلاک و کواکب دارای نفس هستند، امروزه منسوخ گشته است. فارابی همچنین معتقد به تأثیر قوه نطق و تعقل به عنوان مصدر و منبع خیال برای انسان بود (مفتونی، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۷). «پس عقل فعال هم بدین سان است، نخست در قوه ناطقه آدمی چیزی رسم می‌نماید که آن چیز خاص نسبت به نفس ناطقه به منزله نور است نسبت به بصر و به وسیله همین امر مفاض است که نفس ناطقه عقل فعال را درک می‌کند و به وسیله همان است که اشیایی که بالقوه معقول او بوده‌اند، بالفعل معقول او شوند» (فلامکی، ۱۳۸۵: ۱۸۳). «از نظر فارابی این عقل، عالی‌ترین حالت عقل انسانی است؛ حالتی که در آن عقل انسانی می‌تواند بدون وساطت حواس، صوری را که عقل فعال افاضه می‌کند به شهود و اشراق دریابد و این همان واهب الصور است» (کربن، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

تخیل از دیدگاه فارابی

ویژگی بارز نظریه فارابی در مورد خیال، توجه به کارکردهایش است و بدین صورت وجوه خیال را این‌گونه تشریح می‌کند.

۱. حفظ صور محسوس: در این مرحله، آنچه از طریق حواس ظاهری درک می‌شود، پس از انقطاع از عوالم حسی در خیال انسان باقی می‌ماند.
۲. تجزیه و ترکیب صور محسوس: در این سطح، صورت‌هایی که از عالم محسوسات دریافت کرده تجزیه و سپس ترکیب می‌نماید.
۳. محاکات به وسیله صور محسوس. این سطح از نظر فارابی بر دو وجه است:
 - ۱-۳. محاکات محسوس به محسوس: در این بخش، قوه خیال هم امکان تجسم محسوس را به واسطه محسوس دیگر دارد و هم امکان تجزیه و ترکیب صورت‌ها را دارا می‌باشد.
 - ۲-۳. محاکات معقول به محسوس: در این سطح، قوه خیال برای امور معقول نشانه‌های بصری خلق می‌کند (مفتونی، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۲).

هانیبال الخاص (۱۳۰۹-۱۳۸۹ ه. ش)

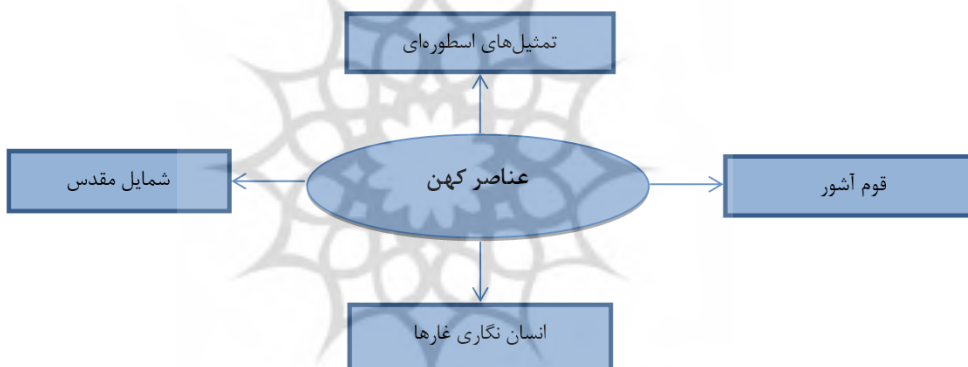
هانیبال الخاص فارغ‌التحصیل رشته هنرهای تجسمی بود و می‌توان وی را از اشخاص مؤثر در حوزه آموزش نقاشی در ایران برشمرد. از جمله فعالیت‌های الخاص می‌توان به: تأسیس گالری «گیل‌گمش»، مدرس هنرستان عالی، تدریس در چندین دانشگاه خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی و عضو هیئت داور بی‌نیال نقاشی موزه هنرهای معاصر تهران نام برد.

روش کار وی، تأکید بر سنت‌های اصیل نقاشی در تکنیک و سنت‌های ملی و مذهبی در محتوا بود و بخشی از اتفاقات هنر معاصر ایران را تقلید کورکورانه هنرمندان از نمونه‌های غربی و در نتیجه، استحاله در آن نوع از هنرها، بی‌آنکه

معنای درونی آن‌ها را یافته باشند، می‌دانست. الخاص بنا بر آرمان‌ها، زندگی و اقلیت مذهبی بودنش، تابلوهایی خلق کرده که بخش مهمی از عناصر آن را نشانه‌هایی از قوم آشور و مسیح، اسلامی و ایران باستان و اساطیر تشکیل داده‌اند. آن‌ها از نظر فرم و تکنیک نقاشی «ساده نگار» محسوب می‌شود (نمودارهای ۱-۲-۳).



نمودار ۱. عناصر ایرانی در نقاشی هانیبال الخاص



نمودار ۲. عناصر کهن در نقاشی هانیبال الخاص.



نمودار ۳. عناصر غیرایرانی معاصر در نقاشی هانیبال الخاص (نگارندگان).

الخاص معتقد به هنر اصیل ایرانی بود: «من در مینیاتور همه مکاتب هنری دنیا را دیده‌ام. مثلاً در «تذهیب» حاشیه مینیاتورها «آپ آرت» و «ویکتور وازرلی» را می‌توان به وضوح پیدا کرد. در «تشعیر» به سهولت می‌توان سوررئالیسم و سالوادور دالی را دید. در خود «نگارگر» و در بعضی تک‌چهره‌های فراوانی که در مینیاتور ما است، می‌توان اکسپرسیونیسم نابی را یافت که اگر در ابعاد بزرگ آن را ببینیم به عنوان نمونه‌ای قدیمی و بسیار قدیمی‌تر از اکسپرسیونیسم آلمان قابل ارائه است. در پرداخت ظریف و دقیق نگارگری ایرانی «پوانتلیسم» را با نقطه‌نقطه کردن‌های بسیار پرحوصله‌ای دیده‌ام. در منظره‌سازی رؤیایی و شاعرانه برخی از مینیاتورهای ایرانی نوعی «رومانتیسیم» باشکوه و بی‌بدیل دیده می‌شود. در آداب چگونگی جادادن عناصر در صفحه و در ساختار هندسی هر مینیاتور «کلاسیسیم» را می‌توان به عیان دید» (1: URL). وی می‌گوید: «هنرمند لازم است به مصداق پندار زیبای خواجه حافظ شیراز «شستشویی کن و آنگه به خرابات خرام ...» هرچه شیله‌پیله دارد، هرچه چرک و پلشتی دارد، هرچه عقده دارد، همه را بیرون بریزد و خودش را به صداقت و پاکی کودکی، به همان تخیل برساند، ذوق خالص کودکانه خود را باز یابد و با تجربیات زندگی کاری را تلفیق کند، حتماً هنرمندی خوب خواهد شد» (صدر، ۱۳۸۹: ۱۹). دوره‌های کاری الخاص در ادامه آمده است (جدول ۱).

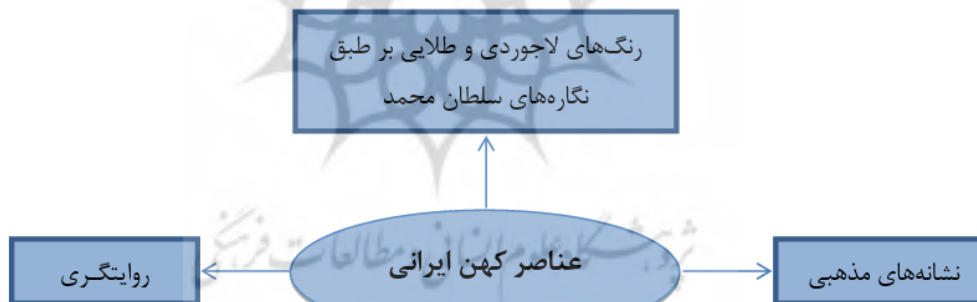
جدول ۱. شناسایی دوره‌های کاری هانیبال الخاص (نگارندگان).

آثار با درون‌مایه نگارگری	نقاشی از چهره هنرمندان ایرانی	آثار اسطوره‌ای	آثار با نشانه صلیب
			
آثار با فضای غالب سفید	چهره هنرمندان غیرایرانی	آثار با تم نوشته	آثار با تم دویخی
			

حبیب‌الله صادقی، ۱۴۰۱-۱۳۳۶ ه.ش

صادقی دکتری پژوهش هنر را از دانشگاه تربیت مدرس و باموضوع رساله دکتری: «تجلی عالم خیال و مثال در هنر ایرانی»، اخذ کرده و عضو پیوسته فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران است. از آثار ایشان علاوه بر برپایی چندین نمایشگاه، دو اثر تبدیل به نقاشی دیواری شده است. صادقی را به عنوان هنرمند عرصه انقلاب و دفاع مقدس می‌شناسد و اکثر آثار وی در این حوزه خلق شده است. ایشان به عالم خیال و کارکرد آن در عرصه خلق اثر اعتقاد دارند؛ چنانکه موضوع رساله دکتری را نیز با عنوان «عالم خیال و مثال در هنر ایرانی» نگاشته است.

حبیب‌الله صادقی معتقد است، زیبا نشان دادن شجاعت و قهرمان‌پروری کار خوبی است که باید در اندیشه یک هنرمند شکل گرفته باشد تا بتواند آن را به تصویر بکشد. ما سعی کردیم در هنر و ادبیاتمان به سنت‌هایمان توجه کنیم؛ اما حواسمان نبوده زمان به سرعت سیر می‌شود و ما موظف هستیم، اندیشه تابناک اسلام را به شکل معاصر بیان کنیم (1: URL). مجموع آثار صادقی در حوزه نگارگری و نقاشی معاصر خلق شده است (جدول ۲) و اغلب این آثار، موضوع انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را شامل می‌شوند. تنها در مجموعه «خیال شرقی» گرایش به آبستره و هنر انتزاعی مشهود است (نمودارهای ۴-۵-۶).



نمودار ۴. عناصر کهن ایرانی در آثار حبیب‌الله صادقی.



نمودار ۵. عناصر معاصر ایرانی در آثار حبیب‌الله صادقی.



نمودار ۶. عناصر غیر ایرانی در آثار حبیب‌الله صادقی (نگارندگان).

جدول ۲. شناسایی دوره‌های کاری حبیب‌الله صادقی (نگارندگان).

موضوعات مذهبی	نقاشی با گرایش رئالیستی	آثار با فضای نگارگری ایرانی
فضای سمبولیستی	فضای انتزاعی	نقاشی انقلاب و دفاع مقدس

نظریه خیال فارابی در آثار هانیبال الخاص

در مجموعه آثار هانیبال الخاص، نشانه‌ای از مرحله اول فارابی؛ یعنی تجسم عینی صور مشاهده نمی‌شود؛ ولی در برخی از آثار وی مرحله دو؛ یعنی تجزیه و ترکیب عناصر قابل بازشناسی است. در این مرحله چنانچه در ابتدای مطالب بدان پرداخته شده، از مرحله توصیف امر بیرونی عبور کرده و سعی بر آن دارد که با تلفیق دو عنصر عینی و ایجاد کم‌وکاست و یا افزودن عناصر و برهم‌سازی آنان به خلق اثر بپردازد، مجموعه «پرتره هنرمندان» را می‌توان در مرحله دوم قرار داد (تصاویر ۲-۱).



تصویر ۲. بدون عنوان، مقوا،
۱۳۸۱، ۳۲*۳۲ سانتی متر
(URL 4).



تصویر ۱. نیما، ۱۳۷۸، اکریلیک،
۴۰*۶۰ سانتی متر
(URL 3).

بیشتر آثار هانیبال الخاص در پی تجسم عناصر محسوس در کنار هم و خلق نشانه‌هایی جدید است. از این رو با یک نگاه کلی، اکثر آثار الخاص را می‌توان در بخش اول مرحله سوم نظریه خیال فارابی، قراردادن خیال در برابر یک صورت واقعی محسوس و برای توصیف و تخیل آن، از یک صورت محسوس دیگر استفاده کردن، قرار داد (تصاویر ۳ الی ۵).



تصویر ۳. بدون عنوان، ۱۳۸۳، ترکیب مواد،
۲۶*۲۶ سانتی متر (URL 3).



تصویر ۴. بدون عنوان، ۱۳۷۸، اکریلیک،
۱۲۵*۱۰۵ سانتی متر (URL 3).



تصویر ۵. بدون عنوان، ۱۳۷۹، جوهر و
پاستل، ۶۰*۸۰ سانتی متر (URL 3).

نظریه خیال فارابی در آثار حبیب‌الله صادقی

برطبق نظریه فارابی در این مرحله، عین صور محسوس به تصویر کشیده می‌شود. در آثار حبیب‌الله صادقی در مجموعه «خانه پدری» نشانه‌هایی از این مرحله، قابل کدگذاری است؛ هرچند به نظر می‌رسد این آثار نیز با عبور از فیلتر خیال هنرمند ترسیم شده باشد؛ ولی از لحاظ مجموع عوامل در مرحله اول بازنشانی می‌شوند (تصویر ۶).



تصویر ۶. خانه پدری، ۱۳۹۰، ترکیب مواد، ۱۱۰*۱۸۰ سانتی‌متر (URL 5).

در سری دیگری از آثار صادقی تمامی عوامل به صورت واقع‌نمایی ترسیم شده‌اند؛ اما از دیدگاه هنرمند، معنایی دومی نیز در اثر مستور است. این آثار را می‌توان حرکت از مرحله اول به سمت بخش اول مرحله سوم؛ یعنی نشان یک محسوس با محسوس دیگر و آفرینش معنای دیگر (تصویر ۷).



تصویر ۷. یک روز سال ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، رنگ و روغن، ۱۴۰*۲۰۰ سانتی‌متر (URL 5).

آثار حبیب‌الله صادقی با گرایش سمبولیسم در بخش اول مرحله سوم نظریه فارابی قابل‌شناسایی است. در این مرحله هنرمند، تلاش دارد تا با ترکیب نشانه‌هایی بصری در کنار هم و نحوه ارائه آن‌ها به معنای ثانویه دست یابد (تصویر ۸).



تصویر ۸. من ماهیم، ۱۳۶۱، زنگ و روغن،
۹۰*۱۲۰ سانتی متر (URL 5).

در مجموعه آثار صادقی با عنوان «خیال شرقی» کمتر نشانی از عوامل بیرونی دیده می‌شود (هرچند در برخی آثار، نشانی از دورنمای منظره و گاه نشانی از آثار حسین کاظمی مشهود است) اما در مجموع آن، همچنان که از اسمش برمی‌آید، عنصر خیال هنرمند حاکم است و شاید بتوان گفت هنرمند، گستره خیال خود را با عبور از مرزهای مادی و محسوس به جایگاه عالم معقول نزدیک شده و خلق اثر در لحظاتی فارغ از مادیات خلق شده است. از این رو می‌توان بخش‌هایی از این مجموعه را در بخش دوم مرحله سوم نظریه فارابی طبقه‌بندی کرد (تصاویر ۹-۱۰).



تصویر ۱۰. مشرق خیال، ۱۳۹۰، ترکیب مواد،
۱۱۰*۱۱۰ سانتی متر (URL 5).



تصویر ۹. مشرق خیال، ۱۳۸۹، ترکیب مواد،
۱۳۰*۱۳۰ سانتی متر (URL 5).

نتیجه‌گیری

در حوزه مطالعات اندیشمندان اسلامی-ایرانی خیال از مقولات مورد توجه بوده و در دوره‌های مختلف تاریخی بخش‌هایی از معانی آن مفتوح گشته است. در این میان، فارابی را می‌توان به‌عنوان اولین نظریه‌پردازان عالم خیال جهان اسلام دانست. بخش‌هایی از نظریات فارابی گرچه در دوره‌های بعدی مورد چالش و نقد حکمای اسلامی قرار گرفت؛ لیکن ساختار کلی آن دست‌نخورده باقی ماند و مورد تأیید اکثر حکما قرار گرفت. نظریات فارابی در عالم خیال شامل سه مرحله عمده و یک بخش که در زیر مجموعه سوم است. آنچه مد نظر این مقاله بوده، امکان‌سنجی کارکرد این مباحث در آثار نقاشی معاصر بوده که در این راستا آثار هانیبال الخاص و حبیب‌الله صادقی به‌جهت معاصر بودن و تنوع آثار و دارا بودن دوره‌های مختلف هنری و ارج‌گذاری هر دو هنرمند به مقوله خیال انتخاب گردید. نتایج مقاله نشان از آن دارد، برطبق نظریه فارابی که پایین حد از خیال را عینی‌سازی و مشاهده مستقیم است در آثار الخاص قابل‌شناسایی نیست؛ ولی در برخی از آثار صادقی این وجه از عین‌سازی مشاهده می‌شود. حرکت هر دو هنرمند از مرحله دو و تجزیه و ترکیب شروع و به بخش اول مرحله سوم، همان قراردادان صور محسوس در کنار هم و خلق معنایی جدید می‌رسد؛ اما عالی‌ترین وجه از خیال در نزد فارابی که تجسم صور معقول هست و از آن به‌عنوان مراحل از خیال انبیا و قدیسیان نام برده و می‌توان گفت، چالشی‌ترین مرحله برای عرصه هنر است. هرچند امکان درک درست و سنجش حد خیال هنرمند در عالم بیرون وجود ندارد؛ ولی با در نظر گرفتن دسته‌بندی خیال در نزد فارابی، در مجموع آثار هانیبال الخاص را می‌توان در حیطه مرحله دوم و بخش اول مرحله سوم طبقه‌بندی کرد و آثار حبیب‌الله صادقی را در تمامی مراحل (چه در مرحله اول و چه در بخش دوم مرحله سوم) قابل‌سنجش دانست.

پیشنهاد پژوهشی نگارندگان مبتنی بر این مسئله است که براساس نظریه خیال فارابی و مشخص نمودن پایین‌ترین و بالاترین حد خیال، چرا دوره‌های کاری هنرمندان منتخب از یک‌روند روبه‌رشد برطبق این نظریه برخوردار نیست و چه‌بسا دوره‌های کاری سال‌های قبل هنرمند در نسبت با آثار جدیدترش در رده بالاتر خیال قرار می‌گیرند.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۹۶). رویکرد حکمت اشراق به هنر اسلامی. مجموعه مقالات درس و گفتارها، جستارهایی در چیستی هنر. تهران: فرهنگستان هنر.
- بلخاری، حسن (۱۳۸۶). ابداعات فارابی در مفهوم و کارکرد تخیل. پژوهشنامه علوم انسانی، ۵۳، ۷۵-۹۰.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۹۱). انسان در عرف عرفان. چاپ یازدهم (اول: ۱۳۷۷)، تهران: انتشارات سروش.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۶). دروس معرفت نفس. چاپ سوم (اول: ۱۳۸۱)، قم: انتشارات الف. لام. میم.
- خادمی، عین‌الله (۱۳۸۶). چگونگی پیدایش کثیر از واحد (نظام فیض) از دیدگاه فارابی، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ۳(۱۰)، ۷۳-۱۰۰.
- صدر، علی (۱۳۸۹). کودکی و خصلت نقاشی هانیبال الخاص. بیک، ۱۳۰، ۱۹.
- فلامکی، منصور (۱۳۸۵). فارابی و سیر شهروندی در ایران. چاپ دوم، (اول: ۱۳۸۴)، تهران: انتشارات فضا.
- قادری، سید محمدهادی (۱۳۸۹). اهمیت الخاص شناسی. نشریه اینترنتی فیروزه، تهران.
- کربن، هانری (۱۳۸۵). تاریخ فلسفه اسلامی. مترجم: جواد طباطبایی، تهران: انتشارات کویر.
- مفتونی، نادیا (۱۳۹۷). نظریه هنر فاضله فارابی و رهیافت معاصر. پژوهش‌های عقلی نوین، ۳(۶)، ۹۷-۱۱۶.
- Doi: 10.22081/NIR.2019.52448.1061
- مفتونی، نادیا (۱۳۸۹). فارابی، خیال و خلاقیت هنری. تهران: انتشارات سوره مهر.
- مفتونی، نادیا (۱۳۸۹). هنر به مثابه راهبرد فرهنگی در اندیشه فارابی. راهبرد فرهنگ، ۱۰(۱۱)، ۱۲۶-۱۱۳.
- هاشم نژاد، حسین (۱۳۸۵). درآمدی بر فلسفه هنر از دیدگاه فیلسوفان اسلامی. فصلنامه قیاسات، ۱۱(۴۰-۳۹)، ۳۱۳-۳۳۲.
- Nadir, A. (2015). Investigation The Plase Of Imagination In Farabi's Epistemological Theory. Asian Science, 11(22), 227-220.
- URL 1: <http://moarek.blogfa.com>. (access date: 25/07/1394)
- URL 2: <https://www.isna.ir>. (access date: 1397 /29/06)
- URL 3: <http://www.elahe.net>. (access date: 25/07/1394)
- URL 4: <http://arthibition.net>. (access date: 1397 /29/10)
- URL 5: <http://sadeghi.gallery.com>. (access date: 21/08/1397)
- Balkhari, H. (2007). Farabi's innovations in the concept and function of imagination. Journal of Humanities, No. 53, 90-75. [In Persian].
- Carbon, H. (2006). History of Islamic Philosophy, translated by Javad Tabatabai, fifth edition, Tehran: Kavir Publications. [In Persian].
- Ebrahimi Dinani, G. (2016). The approach of Hikmat Ishrak to Islamic art. A collection of essays on lessons and speeches, Essays on the nature of art, 7th edition, Tehran: Farhangistan Art Academy. [In Persian].
- Flameki, M. (2006). Farabi and the course of citizenship in Iran, third edition, Tehran: Eshar Fazza. [In Persian].
- Hashemnejad, H. (2016). an introduction to the philosophy of art from the perspective of Islamic philosophers, Qobsat Quarterly, 11(39-40). 331-332. [In Persian].
- Hassanzadeh Amoli, H. (2007). Self-knowledge, Qom: A. Lam. Mim Publications. [In Persian].
- Hassanzadeh Amoli, H. (2011). Man in mysticism, Tehran: Soroush Publications. [In Persian].

- Khademi, A. (2007). The way of the emergence of multiple units (Nizam Faiz) from Farabi's point of view, *New Religious Thought Quarterly*, 3(10), 73-100. **[In Persian]**.
- Maftoni, N. (2010). Art as a cultural strategy in Farabi's thought, *culture strategy*, 10(11). 113-126. **[In Persian]**.
- Maftoni, N. (2010). Farabi, artistic imagination and creativity, Tehran: Surah Mehr Publications. **[In Persian]**.
- Maftoni, N. (2017). Farabi's theory of ideal art and contemporary approach, *modern intellectual researches*, 3(6) 97-116. **[In Persian]**.
- Nadir, A. (2015). Investigation The Plase Of Imagination In Farabi's Epistemological Theory. *Asian Science*, 11(22), 227-220.
- Qadri, S. M. H.. (2010). The importance of specialism, *Firouze online publication*, Tehran. **[In Persian]**.
Doi: 10.22081/NIR.2019.52448.1061.
- Sadr, Ali (2008). Childhood and characteristic of Hannibal's painting. *Peak*, 130, 19.
URL 1: <http://moarek.blogfa.com>. (access date: 25/07/1394)
URL 2: <https://www.isna.ir>. (access date: 1397 /29/06)
URL 3: <http://www.elahe.net>. (access date: 25/07/1394)
URL 4: <http://arthibition.net>. (access date: 1397 /29/10)
URL 5: [http:// sadeghi.gallery.com](http://sadeghi.gallery.com). (access date: 21/08/1397)

